

جلال پژوهی

(مجموعه مقالاتی دربارهٔ آرا و اندیشه‌های
جلال آل احمد، به قلم گروهی از نویسندگان)

www.ketab.ir

به کوشش

دکتر محمود بشیری



خانه کتاب و ادبیات ایران

دی ماه ۱۴۰۲

سرشناسه: بشیری، محمود، ۱۳۳۷

عنوان و نام پدیدآور: جلال پژوهی (مجموعه مقالاتی درباره آرا و اندیشه‌های جلال آل احمد به قلم گروهی از

نویسندگان) // به کوشش محمود بشیری

مشخصات نشر: تهران: خانه کتاب و ادبیات ایران ۱۴۰۲

مشخصات ظاهری: ۳۲۸ ص

موضوع: آل احمد، جلال، ۱۳۰۲-۱۳۴۸ مقاله‌ها و خطابه‌ها

موضوع: آل احمد، جلال، ۱۳۰۲-۱۳۴۸ نقد و تفسیر

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۰ ۱۴ / ۱ ۷۹۳۱ PIR

رده‌بندی دیویی: ۴/۶۲ فا ۸

شماره کتابشناسی ملی: ۲۵۲۷۲۸۵



www.ketab.ir

عنوان: جلال پژوهی

تألیف: گروهی از نویسندگان

به کوشش: دکتر محمود بشیری

ناشر: خانه کتاب و ادبیات ایران

نوبت چاپ: دوم - دی ماه ۱۴۰۲

شمارگان: ۷۰۰ نسخه

قیمت: ۱۵۰/۰۰۰ تومان

شابک: ۵ - ۰۳۲ - ۲۲۲ - ۶۰۰ - ۹۷۸

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شادرنگ

ای دریا! چه بگویم که چها بود جلال
عصب شعله ور و عاصی ما بود جلال
همه جان شور و شرر، نور و نوا بود جلال
تن بهل، کز جنم و جان جدا بود جلال
تپش و تابش آتشکده‌ها بود جلال
هر نکه نایره نو و ذکا بود جلال
گرچه دانیم که معصوم نما بود جلال
جای کتمان، پی جبران خطا بود جلال
تازه صد سینه سخن، بلکه صلا بود جلال
رفت و دردا که به صد درد، دوا بود جلال
من برآنم که از ابناء خدا بود جلال
شک ندارم که یکی از شهدا بود جلال
مهدی اخوان ثالث

از صف ما چه سری رفت و گرامی گهری
ریشه خون و گل گوشت رها کن، که تمام
همه تن او رگ غیرت، همه خون خشم و خروش
استخوان قرص تنی، پیکره جهد و جهاد
هم زبان دل ما، هم ضربان دل ما
هر خط او خطری، هر قدمش اقدامی
پیشگامان خطر، گاه خطا نیز کنند
دم عصمت نزد اما قدم عبرت زد
قلمش پیک خطر پویه، که بر لوح سکوت
چه یلی از صف ما، بی بدلی از کف ما
گرچه می‌رفت از اولاد پیمبر به شمار
گرچه در خانه و بر بستر خوابت به خدا

هان، کجاست؟

پایتخت این دژ آیین قرن پر آشوب

قرن شکلک چهر.

بر گذشته از مدار ماه

لیک بس دور از قرار مهر.

قرن خون آشام،

قرن وحشتناک‌تر پیغام

کاندران با فضله‌ی موهوم مرغ دور پروازی

چهار رکن هفت اقلیم خدا را در زمانی بر می‌آشوبند.

هر چه هستی، هر چه پستی، هر چه بالایی

سخت می‌کوبند.

پاک می‌رویند.

هان، کجاست؟

پایتخت این بی‌آزم و بی‌آیین قرن.

کاندران بی‌گونه‌ای مهلت
 هر شکوفه‌ی تازه رو بازچه باد است.
 هم چنانکه حرمت پیران میوه‌ی خویش بخشیده
 عرصه‌ی انکار و وهن و عذر و بیداد است.
 پایتخت این چنین قرنی
 بر کدامین بی‌نشان قلّه‌ست،
 در کدامین سو؟
 دیدبانان را بگو تا خواب نفریید.
 بر چکاد پاسگاه خویش، دل بیدار و سر هوشیار،
 هیچشان جادویی اختر،
 هیچشان افسون شهر نقره مهتاب نفریید.

(آخر شاهنامه اخوان ثالث)

پیشگفتار

به نام آن که جان را فکرت آموخت

به گواهی منابع معتبر تاریخی، دانشمندان ایرانی در تمامی عرصه‌ها و ساحت‌های معرفتی چون ستارگانی درخشان پرتوافشانی کرده و کاروان اندیشه و خرد جهانی را به سوی مسیر تعالی و بالندگی رهنمون شده‌اند. واکاوی، بازخوانی، پژوهش، معرفی و گام زدن در جهان لایتناهی اندیشه‌های این بزرگان به دلایل متعدد اهمیت دارد. ازجمله:

۱. نسل جوان معاصر را در این آشفته‌بازار خودباختگی، غربزدگی و چالش تمدن‌ها و فرهنگ‌ها، با پیشینه طلایی خویش بیش از پیش آشنا می‌سازد؛ و باعث می‌شود او بخوبی دریابد که در هیچ جای دنیا و در هیچ مقطع تاریخی شخصیت‌های درخشانی چون: فارابی، ابن‌سینا، خوارزمی، ابوریحان بیرونی، خواجه نصیرالدین طوسی، شیخ بهایی و... یافت نمی‌شود. بدین ترتیب با قدی برافراشته در برابر دیگران خودنمایی کند و با نیرویی مضاعف به ابداع و نوآوری روی آورد و قله‌های دانش را یکی پس از دیگری فتح کند.

۲. اندیشه‌ها و آموزه‌های اندیشمندان مسلمان ایرانی پیشین، نه تنها در حوزه‌های علوم انسانی، بلکه به جرأت می‌توان گفت حتی در علوم کاربردی و محض (چون پزشکی، ریاضیات، شیمی، فیزیک و...) هنوز سخن‌های تازه، ناگفته و بکر دارد.

۳. انس و الفت، همدلی و هم‌نشینی با متکلمان، فلاسفه، دین‌پروهان، پزشکان، ریاضی‌دانان، مهندسان و... مسلمان پیشین ایرانی، توان پاسخگویی به برخی شبهات امروزی و یافتن راه حل شماری از معضلات کنونی را دوچندان می‌سازد و در یافتن روش حل مسائل، هر پژوهشگری را یاری می‌رساند. بر این اساس مؤسسه خانه کتاب درصدد برآمد تا با یاری گروهی از اساتید حوزه و دانشگاه و پژوهشگران فرهیخته، مجموعه کتاب‌هایی را فراهم آورد و مخاطبان جوان و تشنه و جویای معارف اصیل را با آراء، اندیشه‌ها و آثار دانشمندان بی‌نظیر این سرزمین زرخیار آشنا سازد.

آنچه پیش روی شماست، مجموعه مقالاتی است به قلم گروهی از پژوهشگران حوزه جلال پژوهی که به همت اندیشه‌ور گرامی جناب آقای دکتر محمود بشیری مهیا شده است. با سپاس از یکایک کسانی که در به فعلیت رسیدن اثر حاضر سهمیم بوده‌اند، امید داریم با انتشار این مجموعه گامی هرچند اندک در مسیر تحقق اهداف متعالی یاد شده برداشته باشیم.

علی اوجبی

۳۰ مهر ۱۳۹۰

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱۱
فصل اول - اندیشه‌های اجتماعی - سیاسی و دینی جلال آل احمد	
جلال آل احمد و غربزدگی/ دکتر بیژن عبدالکریمی.....	۱۹
نقد و بررسی کتاب در خدمت و خیانت روشنفکران جلال آل احمد/ دکتر بتول واعظ.....	۴۷
دین کاوی در تفکر و آثار آل احمد/ دکتر حسین حاجی علیلو.....	۶۳
آل احمد و خسی در میقات/ دکتر قاسم پورحسین.....	۷۳
مقایسه‌ی خسی در میقات با حج دکتر علی شریعتی/ دکتر محمد علی نوری.....	۱۰۷
فصل دوم - بررسی تحلیل داستان‌های جلال آل احمد	
الف) تحلیل محتوایی	
مسأله غربزدگی در آثار آل احمد و تحلیل داستان کوتاه دید و بازدید عید/	
دکتر ابراهیم رنجبر.....	۱۲۱
خوانش و تحلیل جامعه شناسانه مدیر مدرسه/ دکتر اسماعیل نرماشیری.....	۱۴۳
نفرین زمین و سهم جلال آل احمد در داستان نویسی اقلیمی و روستایی معاصر ایران/	
دکتر رضا صادقی شهپر.....	۱۶۵
هم پیوندی زاویه دید و پیام در رمان مدیر مدرسه/ دکتر غلامرضا پیروز و زهرا مقدسی.....	۱۷۹
مشتی در تاریکی (بررسی مدیر مدرسه با تکیه بر دیدگاه‌های هگل، لوکاج و گلدمن)/	
دکتر مرتضی رزاقپور.....	۱۹۵
ب) تحلیل ساختاری	
شگردهای روایت در آثار جلال آل احمد با تکیه بر مدیر مدرسه، نون و القلم و دید و بازدید/	
دکتر شیرزاد طایفی و الناز خجسته.....	۲۰۹
رنالیزم در رمان مدیر مدرسه جلال آل احمد/ دکتر حسین پاینده.....	۲۲۵

بررسی متن محورانه‌ی داستانک *خونابه‌انار* /

- دکتر محمود بشیری و محمد حاج رحیمی ۲۴۷
- سبک نثر و داستان پردازی جلال آل احمد / دکتر احمد علی جعفری ۲۶۱
- بررسی و تحلیل طنز ادبی اجتماعی آثار داستانی جلال آل احمد /
- دکتر مصطفی گرجی و طیبه سادات راستگو ۲۷۳

فصل سوم - آل احمد و دانشگاه

آل احمد در رساله‌ها و پایان نامه‌های دانشجویان دانشگاه‌های کشور /

- دکتر حوریه شیخ مونس ۲۹۱
- چکیده انگلیسی مقالات ۳۱۷

مقدمه

استخوان مردی ابوذروار

تصویری که از آل احمد از همان آغاز آشنایی با آثارش در ذهنم نشسته و جای خود را تاکنون با هیچ تصویر دیگری از او عوض نکرده، تصویر مردی است با موهای سفید و هیکل و چهره‌ای لاغر و استخوانی، و به عبارت دیگر و بهتر نیم جانی در بدنی لاغر. بعدها این تصویر در ذهنم با آشنایی بیشتر نسبت به خصوصیات روحی وی کامل‌تر شد. سیدی تند مزاج و عصبانی و رک گوی و جوشی. این تصویر البته بیشتر با دیدن عکس‌های گوناگون و علی‌الخصوص آخرین عکسی که از او مربوط به چند روز پیش از مرحوم شدنش است در ذهنم نقش بسته است؛ پیرمردی تکیده و به عصا تکیه داده با سنی حدود ۷۲ یا ۷۳ سال. اما می‌دانیم که آل احمد ۴۶ سال بیشتر عمر نکرد و شگفتا که به نظر ۷۲ یا ۷۳ ساله می‌آمد! این مسأله نیز همیشه ذهنم را به خود مشغول کرده بود که چگونه مردی ۴۶ ساله این همه پیر به نظر می‌رسد. جواب به این سؤال با مراجعه به آثار گوناگون آل احمد مشخص می‌شود. درد مسئول بودن و احساس تعهد نسبت به مردم و فرهنگ بومی مردم در سراسر آثار جلال آل احمد به این مسأله پاسخ می‌دهد.

هر منصفی که آثار جلال آل احمد را بخواند، در می‌یابد که هیچ روشنفکر داستان‌نویس معاصر شبیه به او نیست. او روشنفکر داستان‌نویس منحصر به فردی است. با این حال نمی‌دانم چرا همیشه در ذهنم از جهتی یک وجه تشابهی بین آل احمد و ابوذر غفاری و نیز مرحوم مهدی اخوان ثالث، شاعر معاصر، شکل می‌گیرد.

مورخان تاریخ اسلام درباره جناب ابوذر نوشته‌اند که معاویه از دستش به ستوه آمده بود و او را به هر نقطه‌ای تبعید می‌کرد بر مردم آن منطقه تأثیری شگرف می‌گذاشت و آنان را به حرکت و شورش علیه معاویه وا می‌داشت و از هیچ کسی جز خدا پروا نداشت. آل احمد نیز تا حدودی این‌گونه بود. هر کس با هر عقیده و ایده با او می‌نشست و بر می‌خواست، از او متأثر می‌شد. این اثرگذاری برخاسته از احساس تعهد و مسئولیتی بود که او به عنوان روشنفکری آگاه و مسلمان برای خود قائل

بود. البته مطالب آثارش و حتی تنوع آثارش نیز بیانگر و ناشی از این احساس درد مسئولیت نسبت به مردم، وطنش، طبقه روشنفکر، روحانی و حتی دین است.

آل احمد و مهدی اخوان ثالث نیز از جهتی با هم شبیه اند و این شباهت را به لحاظ افق دید و دردمندی و تعهد نسبت به مردم وطن مرده خویش در کتاب غریزگی و در خدمت و خیانت روشنفکران با شعر «آخر شاهنامه» اخوان، خصوصاً در بند سوم، چهارم و پنجم می بینیم.

آل احمد از جمله نویسندگانی است که از سر تعهد و با هدف اصلاح امور جامعه و حل معضل و مشکل مردم وطنش قلم به دست گرفت و از آن همانند تفنگ بهره مند شد. به همین دلیل از هر امری، حرکتی، نظری و نوشته ای که مخالف مصالح عمومی و مردم این مرز و بوم بوده، انتقاد کرده است. همین امر نیز سبب گردیده که بسیاری از روشنفکران هم عصرش و حتی بعد از وی نظریات گوناگون درباره اش بیان کنند و بنویسند.

با این حال، کسانی که با هر عقیده و گرایش در خصوص آل احمد نوشته اند، روی چند ویژگی درباره او اتفاق نظر دارند:

او چهره برجسته ادبیات داستانی واقع گرای دهه سی و بعد آن است و از معدود نویسندگانی است که مطالب گوناگون در زمینه تاریخ، فلسفه، جامعه شناسی، مردم شناسی، دین، اقتصاد و سیاست در قالب هنر عرضه کرده است. آل احمد از هنر داستان نویسی برای ارائه اندیشه و آرای شخصی خود بهره برد. از این رو میان آثار داستانی و مقالات و کتب تحلیلی او مثل در خدمت و خیانت روشنفکران و غریزگی تفاوت چندانی نیست.

او با نگرش انتقادی و احیاگرانه مسائل روستا را دیده تنها به گردآوری و توصیف صرف و مردم نگاری اکتفا نکرده، بلکه با شیوه ای هنری و دقیق موضوعات فرهنگ عامیانه را به صورت مسئله های فرهنگ روستا نوشته و مطرح کرده است. آثار آل احمد در دوره خود بسیار تأثیرگذار بوده است و حتی می توان گفت که این مقالات و آثار تربیت کننده یک نسل روشنفکر دینی به شمار می آیند. در این که آل احمد در تحول فرهنگی دهه ۴۰ و ۵۰ مؤثر بوده و یکی از نویسندگان خوب معاصر است، شکی نیست. تأثیر او بر اطرافیان و دوستانش آن قدر بود که با مرگ او چه بسیار کسان که کار قلم را رها کردند؛ زیرا تنها به زور و فشار و تشویق او بود که کاری می کردند. او پدرخوانده بسیاری از روشنفکران و نویسندگان بود.

این ها از جمله مطالب متفق القولی است که مخالفان آرا و نظریات آل احمد بیان کرده و نوشته اند!

با این همه، باز می‌توان در خصوص آل‌احمد مطالب بسیاری افزود. شکی نیست که مبارزه با غریب‌زدگی و طرح مباحث معرفتی پیرامون آن به موازات غرب‌ستیزی، از موارث جلال آل‌احمد است که هنوز هم در زمانه ما این امر جای خاص خود را داراست.

مسئله بومی‌گرایی و توجه به فرهنگ ملی و روستایی و تکیه بر مردمی که احزاب و گروه‌های سیاسی آن‌ها را به حساب نمی‌آوردند نیز در آثار آل‌احمد جایگاه ویژه‌ای دارد. بنابراین، جوهره اصلی آثار آل‌احمد خودباوری است و در آثارش به این امر اشارات بسیاری دارد. آل‌احمد معتقد بود «اگر می‌خواهید برای این مملکت کاری بکنید، باید از همین‌ها (مردم) کمک بگیرید.» او با این فکر کوشید توانایی‌های هم‌وطنان خود را کشف کند و در این خصوص آثار متنوعی نوشت. بدین جهت می‌توان گفت که او فرزند زمانه خویش بود و نسبت به همه مسائل فرهنگی، سیاسی و اجتماعی و حتی اقتصادی، بومی و ملی و حتی جهانی اشراف و احاطه شگفت‌آوری داشت. بدین جهت، بی‌تردید در دوران معاصر از شهریور ۱۳۲۰ تاکنون نمی‌شود از امور فرهنگی، ادبی، اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و نفت ایران سخن گفت و از آل‌احمد سخن نگفت. او از جمله شخصیت‌های نادر است که هیچ یک از گروه‌ها و گرایش‌ها در ایران معاصر با هر سلیقه‌ای نمی‌توانند او را و آثارش را ندیده بگیرند.

با حضور آل‌احمد در عرصه داستان‌نویسی کشور، ادبیات روزگار ما با حرکتی سریع از دوره هدایت - که در این دوره معتاد به افکار و نظریه‌های فروید و مسائل مترتب بر آن شده بود و زمینه یأس و دلمردگی ناشی از فرهنگ غربی بر فرهنگ ادبی کشور تحمیل کرده بود - به دوره آل‌احمد انتقال یافت و «ادبیات سرخورده، غمگین، رنگ پریده بوف کوری ناگهان جای خود را به ادبیاتی ستیهند و ستابنده و جهنده و پرغوغا داد.»

آل‌احمد از آن دسته نویسندگان و روشنفکرانی بود که در زمانه خود فریب ظواهر غرب را نخورد و نسبت به فرهنگ بومی و خودی مرزبانی کرد و کوشید افسون‌گری‌های غرب را آشکار سازد و در این زمینه آثار متنوعی نوشت. او در این آثار در بند لفظ و لفاظی نبود و «نه قصد استفاده از نظریه داشت و نه می‌خواست نظریه‌پردازی کند» بلکه او درصدد بود به وسیله ادبیات و نثر و نثر داستانی، دردستانی کند و مشکل مردم وطن خویش را چاره‌جویی نماید. راز مطرح شدن و ماندگاری نام آل‌احمد در همین نکته و احساس مسؤولیت او نسبت به مردم نهفته است.

آثار آل‌احمد متنوع و گوناگون است. برخی از آن‌ها در قالب داستان و رمان ارائه شده و دسته‌ای از این آثار به صورت سفرنامه، گزارش، مقالات و کتاب‌های اجتماعی و سیاسی و دینی نوشته شده‌اند.

شیوه نویسندگی آل‌احمد در همه این آثار منحصر به فرد است و با لحنی انتقادی همراه با پرخاشگری و تندخویی است و این حالت او ناشی از دردمندی و حساس بودنش نسبت به سرنوشت مردم

است. در میان آثار آل احمد، کتاب غربزدگی او از شهرت بسیاری برخوردار است. این اثر او حتی مورد توجه شخصیتی چون امام خمینی (ره) واقع شد. او در این اثر از روشنفکرانی که چشم و گوش بسته از عقاید غربیان پیروی می‌کنند و برای فرهنگ خود و مردم خود اهمیتی قائل نیستند، انتقاد می‌کند. در کتاب در خدمت و خیانت روشنفکران که تحلیل تاریخی روند روشنفکری در ایران است، از روشنفکرانی که با نهضت ۱۵ خرداد مرحوم امام خمینی همراهی نکرده اند، انتقاد کرده و از آنان انتقام گرفته است. در واقع این اثر ادعا نامه‌ای علیه جریان و هویت روشنفکری خودباخته در ایران است.

در آثار داستانی خود چون مدیر مدرسه - که شاید از نخستین آثاری باشد که دربارهٔ دبیران و دانش آموزان و فضاهای فرهنگی و آموزشی نوشته شده است - خاطرات معلمی را بیان می‌کند که به واسطهٔ ضعف علمی در تدریس، مدیریت یک مدرسهٔ پر مسأله را به عهده می‌گیرد و بدین وسیله آموزش و پرورش کشور را به نقد می‌کشد.

در رمان *نون و القلم* که از داستان‌های خوب آل احمد است و آن را بر اساس واقعه‌ای که در دوران شاه عباس دوم در قزوین اتفاق افتاده و توسط اسکندر بیک منشی در *عالم آرای عباسی* نقل شده، بازسازی کرده و الهام گرفته است، ضمناً یک پیشگویی نصیحتی به روشنفکران می‌کند. آل احمد در این داستان به روشنفکران گوشه می‌کند که حکومت آینده، دینی و از آن روحانیان است و اگر با آنان همراهی نکنند، در حکومت آینده نقش و سهمی نخواهند داشت. ضمناً اسم داستان نیز درخور توجه است. عنوان داستان اشاره‌ای به یکی از سوره‌های *قرآن* یعنی سورهٔ ۶۸ و بخشی از نخستین آیهٔ این سوره دارد که مبتنی بر قسم به قلم است و هرجه را که قلم می‌نویسد، در واقع آل احمد نیز قسم می‌خورد و به نوعی از آیه و سوره نیز استفاده کرده است و می‌خواهد بگوید اگر تاکنون هر چه نوشته‌ام جنبهٔ شخصی داشته و شاید برای نون خوردن از راه قلم بوده است، ولی نوشتن این داستان برای نون خوردن نیست، بلکه حقیقتی را می‌خواهد بیان کند و آن پیشگویی در خصوص حکومت آیندهٔ ایران است. از این نوع نوشته و کاربرد خاص توأم با قسم که نخستین بار آل احمد بدین شیوه نوشت، بر ذهن و زبان نویسندگان و شاعران بعد از خود تأثیر گذاشت که یکی از آن‌ها مرحوم دکتر قیصر امین پور است که در شعری برای بیان حقیقتی که درک نموده بدین سبک سروده است «این ترانه بوی نان نمی‌دهد...». در تاریخ ایران دو تن از نویسندگان از این داستان مربوط به شاه عباس استفاده کرده و داستان نوشته‌اند؛ یکی میرزا فتح علی آخوندزاده مشهور به آخوندف، پدر روشنفکران غربگرای ایران، که او در جهت تخریب دین و مظاهر آن داستان نوشت که اسم داستان او «داستان یوسف ترکش دوز یا ستارگان فریب‌خورده» است و دیگری همین مرحوم جلال آل احمد است در جهت تکریم و تعظیم دین از آن واقعه در داستان خود بهره برد و تأثیر آن را

در زندگی مردم نشان داد. رمان دیگری که از آل احمد قابل ذکر است، رمان *تفرین زمین* است که در آن سیاست‌های نادرست رژیم پهلوی را در خصوص کشاورزی به باد انتقاد گرفت. نکته‌ای که در خصوص این رمان ارزشمند آل احمد گفتنی است، مربوط به یکی از اشخاص داستان است. در آثار نویسندگانی چون هدایت، صادق چوبک و دیگران شخصیتی به نام یعقوب یهودی حضور دارد که عرق فروش است، اما در رمان *تفرین زمین* آل احمد این شخصیت یهودی زمین‌خوار است که این امر بیانگر تیزبینی و روشن نگری آل احمد در خصوص زمین‌خواری یهودیان است.

آل احمد در بسیاری دیگر از داستان‌های خود مثل *دید و بازدید*، *زیارت*، *سه تار و...* به نقد عقاید خرافی و تحقیر برخی از رجال سیاسی ایران می‌پردازد.

آل احمد در کتاب *حسی در میقات* که سفرنامه حج اوست، به خاندان «آل احمد» پیوست و حسرت سالیان از دست رفتن فضیلت صبح و نماز صبح را خورد. شاید بتوان گفت که یکی از دستاوردهای آل احمد از سفر حج، این جست و جوی درونی، کشف فضیلت نماز است و نیز کشف فلسفه اسرار مناسک حج و کشف حیات طیبه معنوی و یافتن خویشتن خویش.

مقالات آل احمد از ارزش خاصی برخوردارند؛ خصوصاً مقالاتی که مربوط به حوزه نقد ادبی است. شاید بتوان گفت آل احمد نخستین کسی است که نقد ادبی به معنایی که امروز به کار می‌رود، نوشت. این مقالات در خصوص نیما و شعر نیمایی است. یکی از آن‌ها مقاله «مشکل شعر نیماست» و دیگری «پیرمرد چشم ما بود» درباره مرگ نیماست.

در خصوص آل احمد و آثارش بیش از این می‌توان نوشت، اما این مقدمه را با ذکر دو نکته به پایان می‌برم:

۱. زندگی جلال آل احمد هرچند قصه ای کوتاه بود، اما می‌توان از آن رمانی خواندنی و عبرت آموز نوشت و ای کاش چنین شود.

۲. بر خود فرض می‌دانم که از مسئولان محترم موسسه خانه کتاب - که خدمات فرهنگی آنان بر کسی پوشیده نیست و نیازمند تعریف و تمجید من هم نیستند - آقایان علی شجاعی صائین و علی اوجبی تشکر کنم. ضمناً از دوستان و همکاران دانشگاهیم چه آنان که مقاله‌ی آن‌ها در این مجموعه آمده و چه آنان که مقالاتشان به هر دلیلی در این نوشته نیامده به خاطر حسن ظن آن عزیزان به اینجانب قدردانی و تشکر نمایم.

و من الله توفیق

محمود بشیری - تابستان ۱۳۹۰